

شرح پریشانی من

"دوستان شرح پریشانی من گوش کنید
داستانی غم پنهانی من گوش کنید"
مرغ بی بال و پرم دور، زکاشانه خود
دردها و غم دیرینهء من گوش کنید
بوده ام سالها زخدام واساتید وطن
گشته ام خواروزسرگردانی من گوش کنید
سالها تربیه کردم، جوانان وطن
کنج غربت به بیکاری من گوش کنید
ازمانیکه قدم هام، برون شد زوطن
ر عشه بر قلب فتاد، زبیماری من گوش کنید
مدتی شد که به دورم زوطن صدافسوس
قصهءدوری ورنجوری من گوش کنید
چه سفرهای خطرناک که کردم زوطن
کوه ها طی کرده، گرفتاری من گوش کنید
شب اول به سرخ آب، شب دوم تره منگل
شب سوم زپریشانی من گوش کنید
دورازمیهن خود گشته وبی مام شدم
دردهجران وزبی مامی من گوش کنید
زانکه حال وطنم، روزبروزگشته خراب
حال افسردهءاین دورزوطن گوش کنید
خون زدیده برودچونکه به ملکم جنگ است
روزوشب ها غم جنگ ها، زمن گوش کنید

سوخت کل وطنم، دست یزیدان پلید
داغ های دل صد پارهء من گوش کنید
سوختم سوختم، ز هجران وز دوری وطن
سوختن وبی سروسامانی من گوش کنید
شده نزدیک به چهل سال که ز خاکم دورم
دوری خاک وز جانسوزی من گوش کنید
ظلم های یزیدان کنونی، به خلق مظلوم
شده بیحد، نتوانید زمن گوش کنید
"حیدری" دورز وطن صبر خداوندی کن
تا نگوئی دگرش، آنکه زمن گوش کنید

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۱۲، ۱۰، ۲۰۲۱، سدنی آسترالیا

اسقبال از شعر و حشی بافقی